



بیانات حجه الاسلام والمسلمین محمد جواد حاج علی اکبری

بیانات در جمع مربیان و شبکه پشتیبان خواهران
مورخ ۱۴۰۰/۱۲/۲۱
مکان: شورای سیاستگذاری ائمه جمعه

- لزوم دقت و تأمل در مناجات شعبانیه
- تعریف مربی
- تأثیرگذاری و تأثیرپذیری وابسته به قصد نیست
- تأثیرگذاری، امری طبیعی و ناخودآگاه
- وظیفه‌ی رهبر و مربی از نظر امیرالمؤمنین (علیه السلام)
- اهمیت تربیت خویش
- هدیه‌ی آیت‌الله نجومی به رهبری
- تربیت خویش طبق آداب الهی، شرط رستگاری
- سه ساحت مهم در تربیت خویش
- فایده‌های گفتگو درباره‌ی این مباحث
- راز خوشبختی از دیدگاه امیرالمؤمنین (علیه السلام)
- پرسش و پاسخ پایان جلسه

همان بخش را برگزیند. این بهتر از این است که انسان از اول تا آخر مناجات را بخواند، درحالی که تأمل و دقت و تمرکز لازم را نداشته باشد.

خواستم به خودم و شما عزیزان یادآوری کنم که این فرصت از دست نرود. این قضیه در مورد متن نورانی صلوات شعبانیه نیز برقرار است و آن نیز بسیار فوق العاده است. از نظر امام شناسی و برقراری ارتباط با ذات ماه معظم شعبان که عنایات ویژه‌ی صاحب این ماه، خاتم انبیاء، محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله) است، بسیار پیش برنده و کمک کننده است.

درحالی که در ماه مکرم رجب و رمضان دعاها و ذکرهای کوتاه و بلند فراوانی داریم، در ماه شعبان، مناجات و صلوات شعبانیه داریم. از بین اذکار یک ذکر در باب تهلیل داریم که موجب تقویت بنیه‌ی توحیدی است. هزار مرتبه بگوییم: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَلَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
رَبِّ الْعَالَمِينَ

لزوم دقت و تأمل در مناجات شعبانیه

مناجات شریف شعبانیه، نقشه بهره‌مندی از ظرفیت‌های ماه معظم شعبان است که باید بسیار قدرش را بدانیم. قدرشناسی این است که برایش وقت بگذاریم و فرصت‌های مناسب خود را به آن اختصاص بدهیم. با مراجعه‌ی ساده و خواندن چند جمله از آن نمی‌توان از این معارف ژرف و عالی بهره برد. باید در زمان خوب و مناسب و در خلوت، به‌ویژه شب یا سحر یا بین‌الطلوعین آن را خواند. در این مواقع انسان آرامش خاطر دارد و به مراتب بهتر می‌تواند ارتباط بگیرد. سپس جمله جمله و کلمه کلمه پیش برود. لازم نیست انسان در یک وعده همه‌ی این مناجات شریف را بخواند. اگر دید برای برقراری ارتباط و تأمل نیاز دارد که بخشی را انتخاب کند،



یا دستیارند یا مربی‌یار که مسئولیتی دارد. همه‌ی اینها دارای سهم تربیتی هستند.

تأثیرگذاری و تأثیرپذیری وابسته به قصد نیست

تربیت از اموری است که وابسته به قصد نیست؛ یعنی من برای اثرگذاری در جامعه‌ی مخاطب خودم نیاز به قصد ندارم. مخاطبان من هم برای اینکه از من الگو بگیرند و اثر پذیرند، نیاز به قصد ندارند. پس در هیچ‌یک از طرفین مسئله، چه مربی و معلم و چه در سمت مربی و کسی که دارد دریافت می‌کند، نیازی به قصد نیست. در جایگاه ارتباط، به‌ویژه اگر ارتباط دارای تعریف‌های روشن‌تری باشد، ناخودآگاه این بده‌بستان و تأثیر و تأثر صورت می‌گیرد. این‌گونه نیست که مربی یا کادر پا فعال در اتحادیه باید حتماً قصد داشته باشد بر کسی تأثیر بگذارد. اگر من قصد

مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ؛ معبودی جز خدا نیست و نپرستیم جز او را، درحالی‌که عبادت را برای او خالص می‌کنیم، گرچه مشرکان را خوش نیاید». استغفار هم وارد شده تا انسان بتواند فضای فکری و ذهنی و عقلی و اخلاقی و عملی خود را شستشو دهد برای اینکه از ماه ضیافت الهی بهره‌مند شود.

امیدوارم ماه شعبان مانند همه‌ی ماه‌ها که با سرعت از دستمان می‌رود، از دست نرود و برای درک فیوضات ماه مبارک رمضان توشه‌ای داشته باشیم.

تعریف مربی

منظور از مربی که گاهی در جلسات ما درباره‌اش صحبت می‌شود، اعم از کسی است که با همین عنوان مربی شناخته می‌شود. چه در رسته‌های تشکیلاتی ما و چه کسانی که سهم تربیتی دارند؛



یا مثلاً در رابطه‌ی پدر مادر با فرزندشان همین ویژگی، به‌ویژه به‌صورت جدی وجود دارد. شما می‌خواهید از نظر تربیتی و فرایند رشد بر فرزندان اثر بگذارید. قطعاً اینجا ضریب می‌گیرد؛ به‌ویژه اگر این قصد، پشتوانه‌ی معنوی هم داشته باشد و براساس انگیزه الهی و خیرخواهی و محبت باشد. اینها همه‌اش تقویت‌کننده و در جای خود محفوظ است، ولی اینها را کلاً کنار بگذاریم. در فضای روابط انسانی مسئله‌ی تأثیرگذاری‌های تربیتی، ماورای قصد اتفاق می‌افتد. یعنی نیازی به برنامه‌ریزی و قصد و نیت ندارد. در مناسبات به‌طور طبیعی این اتفاق می‌افتد.

تأثیرگذاری، امری طبیعی و ناخودآگاه

این عرض من یک یادآوری جدی است، بخواهیم یا نخواهیم، داریم تأثیر

نکنم و برایش برنامه‌ریزی هم نکنم، این اتفاق خواهد افتاد. طرف مقابل نیز همین‌گونه است. برای اینکه تأثیر بپذیرد، حتماً نیاز به قصد ندارد. البته جایی که قصد وجود داشته باشد، چه اثرگذاری و چه اثرپذیری، ضریب می‌گیرد. شاید اثرگذاری یا اثرپذیری ده‌ها برابر اتفاق بیفتد. وقتی کسی برنامه، توجه، طراحی و قصد قطعی برای اثرگذاری روی مخاطبان خود داشته باشد، به‌مراتب اثرگذاری‌اش بیشتر می‌شود. طرف مقابل هم همین‌گونه است. یعنی اگر من قصد کرده باشم که از این معلم، مربی یا از این الگو استفاده کنم و بهره‌ای داشته باشم، به‌طور طبیعی و به‌مراتب اثرپذیری را افزایش می‌دهد. لذا در باب تعلیم و تعلم، و مربی و متربی، ارتباط‌های تربیتی و روابط معلم‌شاگردی می‌شود گفت که اثرپذیری و اثرگذاری ضریب می‌گیرد و افزایش پیدا می‌کند.



برقرار است؛ مثبت باشد یا منفی. ما چه خواهیم و چه نخواهیم، در رویارویی‌ها معمولاً از چنین تأثیرگذاری‌ای بهره‌مند هستیم. شما اگر با کسی همنشین شوید که از عطری استفاده کرده، آن عطر همراه شما پخش می‌شود. این طبیعت مسئله است و در محیط‌های دوستانه‌ی خودمان نیز این تأثیر و تأثر را همیشه داریم. بنابراین باید مراقب این مسئله باشیم.

می‌گذاریم. سَمَتِ شما مربی باشد، رابط یا مدیر معاون استان یا مسؤل فلان بخش یا هرکسی در هر مجموعه‌ای حضور داشته باشد که این ارتباطات شکل می‌گیرد، به‌طور طبیعی این اثرگذاری متقابل در آن مجموعه جریان پیدا می‌کند. البته انسان‌هایی که از جهت روحی و بنیه، قوی‌ترند، تأثیرگذاری آنها جدی‌تر و عمیق‌تر است. اگر خوب باشند، تأثیرگذاری‌های مثبتشان عمیق‌تر است و اگر وضعیت روحی‌شان نامناسب باشد و قوتشان نیروی شیطانی باشد، تأثیرگذاری منفی‌شان به مراتب بیشتر است.

وظیفه‌ی رهبر و مربی از نظر امیرالمؤمنین (علیه السلام)

پس به‌طور طبیعی اثرگذاری در ارتباطات وجود دارد. حال می‌خواهیم درباره‌ی کسی صحبت کنیم که برای اثرگذاری در شبکه‌ای مثل اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان، برنامه و مسئولیت و قصد اثرگذاری

در هر صورت با این مبنا وقتی جامعه‌ی مخاطب ما می‌خواهد برای رشد معنوی و اخلاقی و کمالات معنوی و بهسازی وضعیت روحی و روانی به دیگران کمک کند و به‌ویژه قصد تأثیرگذاری نیز دارد، اینجا حتماً تأثیرگذاری



دارد. شاید جزو ضروری‌ترین و جدی‌ترین مباحث باشد. مباحث تربیتی عموماً جنبه پیش‌نیاز هم دارند. روایت بسیار جالبی از امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) هست که بارها شنیده‌اید. فرمودند: «مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ وَ لِيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بَسِيرَتَهُ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ؛ هر که خود را در مقام پیشوایی مردم قرار دهد، باید پیش از تعلیم دیگران، به تعلیم خود پردازد و پیش از آنکه به زبانش تربیت کند، با رفتار خود تربیت نماید». «امام» در این روایت معنای بسیار گسترده‌ای دارد، هم شامل حوزه‌های تعلیمی می‌شود، هم شامل حوزه‌های تربیتی. و هم حوزه‌های مدیریتی. اگر کسی سِمَتِ راهنمایی و راهبری و پیشوایی برای دیگران را برعهده گرفت، باید قبل از آن راهبری و پیشوایی و تعلیم نفس خود را برعهده بگیرد. حضرت از کلمه‌ی

«تأدیب» استفاده کرده‌اند که دقیق‌تر، پیچیده‌تر و به‌مراتب حساس‌تر از تعلیم است. تعلیم جنبه آموزشی و تبادل مضامین و مفاهیم و محتوا است؛ اما تأدیب کاملاً به ساختار گفتاری و رفتاری و شخصیت طرف مقابل برمی‌گردد. در فارسی بیشتر از کلمه‌ی تربیت استفاده می‌کنیم، ولی در کلمات اولیای خدا از کلیدواژه‌ی تأدیب خیلی استفاده می‌شود.

اهمیت تربیت خویش

پس طبق روایت علوی کسی که می‌خواهد دیگران را با زبانش، تأدیب و تربیت کند و تأثیر مثبت بر آنها بگذارد، باید ابتدا سیره و روش و منش و اخلاقش تأثیرگذار باشد. در نهایت فرمودند: «و مَعْلَمٌ نَفْسَهُ وَ مُؤَدِّبُهَا أَحَقُّ بِالْإِجْلَالِ مِنْ مَعْلَمِ النَّاسِ وَ مُؤَدِّبِهِمْ؛^۱ و کسی که آموزگار و مربی خود باشد، بیشتر سزاوار بزرگداشت

۱. نهج البلاغه، حکمت ۷۳.



و خطشان در خانه درست کرده بودند که به من نشان دادند. خداوند بر درجانشان بیفزاید و رحمتشان کند. در دیداری که با رهبر عزیز و عالی قدر داشتند، البته زمان ریاست جمهوری ایشان بود، می خواستند هدیه ای خدمت رهبر تقدیم کنند. آقا فرموده بودند شما این روایت را با خط زیبای خودتان بنویسید و برای من بفرستید. ایشان محبت کرده و آن را نوشته بودند. تمام این سالها این تابلو در اتاق رهبر عزیز عالی قدرمان روبروی ایشان قرار گرفته بود.

غرض اینکه اگر بخواهیم در فرایند تأثیرگذاری، مخصوصاً با قصد برنامه و نیت قرار بگیریم، چه در جایگاه پدر و مادر چه در جایگاه معلم و مربی، یک مقدمه واجب دارد و آن این است که نخست باید خود را تربیت کنیم. این جزو چیزهایی است که مورد پذیرش همگانی است.

است تا آنکه آموزگار و مربی دیگران است». اینجا هر دو کلیدواژه، یعنی هم تعلیم و معلم و هم تأدیب و مؤدب در کنار هم قرار گرفته است. کسی که آموزش و تربیت خویشتن را برعهده گرفته، بسیار شایسته تر به تکریم و احترام است تا کسی که تعلیم مردمان و تربیت آنها را به عهده گرفته است. یعنی پیش از اینکه خود را ساخته باشد، سراغ دیگرسازی رفته است. این مطلب، مطلبی اساسی است.

هدیه ی آیت الله نجومی به رهبری

خداوند آیت الله نجومی را رحمت کند که از شخصیت های گرامی استان کرمانشاه بودند. هم فقیه و عالم دینی بودند و هم هنرمند. در خط، به ویژه خط ثلث صاحب کرسی استادی بودند. وقتی به منزل ایشان رفته بودم، نمایشگاهی از نقاشی ها



تربیت خویش طبق آداب الهی، شرط رستگاری

را به عنوان یک مبنای جدی برای خود پذیرفته باشد، بسیار پیش برنده است. ضمن اینکه سرفصل جالبی در روایات داریم و آن مسئله تأدیب به «آداب الله» است. امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند: «مَنْ تَأَدَّبَ بِآدَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَدَّاهُ إِلَى الْفَلَاحِ الدَّائِمِ؛ آهَرِ كِه بَه آدَابِ خدَاوند عَزَّ وَجَلَّ مؤدَّب شود، او را به رستگاری جاوید می‌رساند». اگر کسی خود را به آداب الهی مؤدب کند و شخصیت خود را با الگوهای الهی پردازش کند، خداوند تبارک و تعالی به چنین کسی توفیق می‌دهد به رستگاری همیشگی برسد. خود این تأدب و اینکه شخص دارد خود را در این زمینه می‌سازد باعث می‌شود که به رستگاری و خوشبختی و رشد همیشگی برسد. این هماهنگی با نقشه الهی شاید آن نکته اساسی است. انسان برای خودسازی و سپس

در جلسه‌ای که جمعی از شما گویا به حرم حضرت عبدالعظیم (علیه السلام) تشریف آورده بودید، آنجا خدمت عزیزان این مطلب را توضیح دادم که سهم ما به عنوان معلم و مربی از این رشد و ترقی معنوی و سیر و سلوک و تکامل اخلاقی چه می‌شود. این مطلبی است که باید خیلی به آن توجه کرد و چه بسا یکی از خوشبختی‌ها و سعادت‌هایی که نصیب افرادی می‌شود که در جایگاه معلم و مربی و دستیار در کار تعلیم و تربیت قرار می‌گیرند، این است که این بهانه‌ی بسیار خوبی است تا به خویشان پردازند. پیوسته اینان را تشویق می‌کند که سهم خود را نیز دریافت کنند. این کمک‌کننده است، منتها با این شرط که شخص این مطلب را واقعاً باور کرده باشد. اگر باور کرده باشد و آن



این بحث را بررسی کرد و تعمیم داد. ما باید این بحث را باهم دنبال کنیم؛ ما برای ادب کردن خویش به تأدیب الهی باید چه کار کنیم؟ چه ساحت‌هایی را در نظر بگیریم؟

۱. ساحت نفس

اول ساحت نفس که نیازمند یک برنامه‌ریزی و طراحی دقیق است. برای خودسازی و تکمیل نقشه‌ی ادب الهی این یک مرحله است که در این حوزه لازم داریم. شاید بشود گفت جزو بخش‌ها و مباحث مقدماتی است و شاید بتوان گفت درگیری‌های جدی و اصلی مربوط به این بخش است. مباحث مربوط به جهاد اکبر عمدتاً اینجا مطرح می‌شود و درگیری‌ها و چالش‌ها عمدتاً مربوط به همین حوزه است که حوزه‌ی نفس است.

در ارتباط با دیگران، هماهنگ با نگاه حق تعالی حرکت کند. این همان ادب آمیخته با معنویت است، آن جنبه الهی در تأدیب و خودسازی باید کاملاً مورد توجه قرار بگیرد. اینکه ما یا دیگران چه می‌پسندیم اینها همه رهن‌های شیطانی است که پیش روی همه‌ی آدم‌ها وجود دارد. اصل مسئله و اساسش این است که خدای متعال چه می‌پسندد. این اساس مسئله است که اگر در نظر گرفته شود، انسان، هم در خودسازی توفیق پیدا خواهد کرد، هم در کمک به دیگران که رشد کنند و قدمی بردارند.

سه ساحت مهم در تربیت خویش

در این بحث باید در چند محور با شما گفتگو کنیم. شاید از دلنشین‌ترین بحث‌هایی است که می‌شود در این‌گونه جلسات مطرح شود. حداقل در سه زمینه یا بیشتر می‌شود



فایده‌های گفتگو درباره‌ی این مباحث

کاری که ما همراه با شما عزیزان انجام می‌دهیم، گذری نسبتاً سریع در این زمینه‌ها است که ببینیم وضعیت ما چگونه است، چه شرایطی داریم و چه اقداماتی باید در این محورها انجام دهیم. یعنی سازماندهی عقلانی و فکری و اخلاقی من به‌عنوان یک مربی با رویکرد تأثیرگذاری بر دیگران، در این محورها باید چگونه باشد؟ سازماندهی حوزه نفسانی انسان چگونه باید باشد تا بگوییم چنین کسی در مسیر ارتباط صحیح با خود قرار گرفته و می‌تواند از این فرصت ارتباط با دیگران، برای رشد خود نیز به‌خوبی استفاده کند. اگر ما توانستیم این بحث را در مورد خودمان درست پیش ببریم، مطمئن باشید درباره‌ی دیگران نیز می‌توانیم درست پیش ببریم. نقطه کلیدی اینجا است. مثلاً اگر ما توانستیم

۲. ساحت عقل

در مباحث مربوط به مسئله خودسازی درباره‌ی یک مرحله دیگر هم باید مباحثه کنیم که از جمله چیزهایی است که باید مورد توجه قرار بگیرد و آن ساحت عقل است. تأدب به آداب الله در ساحت عقلانیت به چه معنا است؟ لازم است در این مورد نیز اگرچه با سرعت، بررسی دقیق‌تری داشته باشیم.

۳. ساحت اخلاق

یک مرحله هم به حوزه اخلاق مربوط می‌شود که در این میانه قرار می‌گیرد. در هر سه مرحله لازم است بعضی از نکته‌های کلیدی و قواعد اصلی را مرور کنیم. ما نمی‌خواهیم اینجا این مباحث تفصیل داده شود. بحث خیلی مفصل و طولانی نیاز است و ما اصلاً فرصت نمی‌کنیم که به آنها پردازیم.



راز خوشبختی از دیدگاه امیرالمؤمنین (علیه السلام)

بحث دقیق‌تر این است که ما باید با خودمان خلوت داشته باشیم که نداریم یا خیلی کم داریم. ازدحام کارهای ما بسیار زیاد است، وسط این هیاهو شاید کمتر صدای خود را می‌شنویم. نقش‌های بیرونی خیلی انسان را مشغول می‌کند. نقش مادری وقت یک زن را بسیار می‌گیرد، همچنین نقش همسری. اگر ایشان نقش اجتماعی یا شغلی هم داشته باشد یا در مناسبات خانوادگی و پیرامونی، نقش‌های ذاتی و تبعی نیز داشته باشد، وقت او بسیار گرفته می‌شود. دیگر برای او چه می‌ماند؟ برای خود چه کار می‌کند؟ کم‌کم گرفتار سایش روحی می‌شود. اگر زمانی فرصت کند به خلوت‌سرای خویش برود، در آن خلوت‌سرا، حسرت و ناراحتی و حس ندادی سراغش می‌آید. یاد آن روایت نورانی از امیرالمؤمنین (علیه السلام)

بر نفسانیت خویش چیره شویم و خشم خود را مدیریت کنیم، می‌توانیم به دیگران نیز کمک کنیم که خشم خود را مدیریت کنند. خیلی اوقات موفق به تأثیرگذاری بر دیگران نمی‌شویم؛ زیرا موفق به سازماندهی و آراستن شخصیت خود نشده‌ایم. لذا به‌نظر می‌رسد که این گفتگو از دو جهت مفید است؛ ابتدا برای خود ما که در ساحت تأثیرگذاری هستیم و هم به اثرگذاری بر جامعه مخاطب کمک می‌کند که دستور کار مشترک ما و شما است. امیدواریم خداوند تبارک و تعالی به همه ما توفیق دهد و ما را یاری کند. ماه معظم شعبان برای خودسازی و مراجعه به خویشتن و خلوت با خویش بسیار خوب است. این موضوع یک مقدمه نیز دارد؛ یک مقدمه ضروری که الآن بیان کردم و در جلسه‌ی دیگر، مفصل‌تر تقدیم می‌کنم.



خدای متعال چند قاعده و نکته را یادآوری خواهیم کرد تا بینیم بحث ما به کجا خواهد رسید. موفق باشید.

پرسش و پاسخ پایان جلسه

۱. اهمیت غبارروبی درونی

حاضرین: سپاسگزاریم! بسیار استفاده کردیم.

یکی از خواهران تعبیر زیبایی داشتند. گفتند تأثیر اثرگذاری حقیقی در هویت حقوقی. ما باید حواسمان باشد. نوشته بودند که من یادداشت کردم. عده‌ای از بزرگواران هم عیدی خواسته بودند دیدار رهبر اگر مقدور باشد. خواهران عزیز اگر سؤالی دارید، تایپ بفرمایید. ما ده دقیقه برای پرسش و پاسخ فرصت داریم.

حجت‌الاسلام حاج‌علی اکبری: قبلاً رسم بود که این ایام پایانی سال در آستانه بهار، خانه‌تکانی می‌کردند.

می‌افتم که فرمودند: «السَّعِيدُ مَنْ وَجَدَ فِي نَفْسِهِ خَلْوَةً يَشْتَغِلُ بِهَا؛^۳ خوشبخت واقعی کسی است که در وجود خویش برای خود خلوتی بیابد». واژه‌ی «وجد» یعنی بیابد. جالب است گویا باید بگردید و خلوت را پیدا کنید، باید خلوت را ساخت و گرنه به‌دست نمی‌آید. در آن خلوت درونی چه کار کند؟ حضرت فرمودند به‌جای مشغول شدن به فرزند و همسر و جامعه و اتحادیه و انجمن و دوست و همسایه و همکار و اداره، به خودش پردازد. بیند خودش چه کار کرده و چه کار می‌کند. از این روایت نورانی معلوم می‌شود که راز خوشبختی، در خلوت با خویشتن است. پرداختن به خویش، مقدمه‌ی جدی و ضروری است.

اگر فرصت نشود به همه این ساحت‌ها پردازیم، در ساحت ضروری‌ترش، در آن ساحت نورانی، به‌لطف

۳. اربلی، کشف الغمّه، ج ۲، ص ۲۰۲.



ما است که آن را رها کردیم و چیزهایی در آن ریختیم. اگر مراجعه و بازگشایی نشود و تصمیم بر تنظیم جدی نباشد، کار سخت می‌شود.

۲. خلوت با خویشتن نیازمند استاد نیست

حاضرین: حاج‌آقا یکی از بزرگواران پرسیدند در این بحث اخلاق و خلوت با خویشتن، مسیر را خودمان طی کنیم یا از اساتید اخلاق کمک بگیریم؟ حجت‌الاسلام حاج‌علی‌اکبری: دو بخش دارد: یک بخش عمومی و محکّمات، یک بخش خاص و تخصصی. در بخش‌های عمومی‌اش قرار شد خودتان، خود را ادب کنید. این کار از کسی دیگر ساخته نیست، کار خود اشخاص است که باید وارد شوند. آگاهی دارید و مقداری یادآوری و ذکر و تصمیم می‌خواهد که انسان وارد این عرصه‌ها شود.

حاضرین: حاج‌آقا الان هم انجام می‌دهیم. حجت‌الاسلام حاج‌علی‌اکبری: خدا را شکر که الان هم هست. من فکر کردم دیگر نیست. فرصت و یادآوری این بحث ابتدا نسبت به خودم و سپس نسبت به همه شما عزیزان این است که ما به پرداخت درونی و به ساحت اخلاقی و شخصیتی خویش نیاز داریم، ما به پردازش و غبارروبی نیاز داریم. اینها تنظیم دارد. دیدید گاهی کسی خانه را رها کرده و بعد که مراجعه می‌کند می‌بیند گنجه‌اش به قدری شلوغ است که اگر بخواهد آن را منظم کند مدت‌ها از او وقت می‌گیرد. زیرا چیزهایی انداخته و رها کرده است. جاهایی که آشفتگی هست انسان دوست دارد سراغش نرود و می‌خواهد درش بسته باشد که کسی آن را نبیند، از آن فرار می‌کند. این مانند همان گنجه‌ها و پستوهای شخصیت



یعنی بچه‌ها خودشان به این کتاب‌ها مراجعه کنند؟
حاضرین: بله.

حجت‌الاسلام حاج‌علی‌اکبری: کتابی نمی‌شناسم که سیری را برای بچه‌ها، آن‌هم برای بچه‌هایی که مخاطب ما هستند، تنظیم کرده باشد، به طوری که بچه‌ها خودشان مستقیماً مراجعه و استفاده کنند. ولی بعضی از کارها کمک‌کننده است. بعضی از مجموعه‌ها هست که می‌توان به بچه‌ها معرفی کرد که به آنها کمک کند. یکی از بهترین آثار که جنبه راهنمایی بسیار جالبی برای مخاطبان ما دارد، کتاب شریف «داستان راستان» شهید مطهری عزیز است؛ کتابی کاملاً تربیتی و تهذیبی که سازندگی فوق‌العاده‌ای دارد یا چیزهایی شبیه این که اگر خواستید، می‌شود معرفی کنم.

بخشی هم دارد که نیاز به راهنمایی دارد و جنبه فنی‌تر پیدا می‌کند. البته، هم آثاری وجود دارد که کمک‌کننده است، هم اشخاصی هستند که به عنایت الهی کمک می‌کنند بتوانیم این راه را بهتر طی کنیم. خیلی اوقات برخی از کارهایی که می‌توانند انجام دهند، باز می‌مانند به این بهانه که راهنما نداشتیم؛ درحالی که خودشان می‌توانستند شرایط خود را صدها برابر بهتر از این که هست، بسازند. نرفتن به میدان و تأخیر و تبلی و فردا فردا کردن و به گردن این و آن انداختن، باعث می‌شود که فرصت‌ها از دست برود.

۳. معرفی کتاب در بحث آداب

حاضرین: در مورد بحث آداب، چه کتاب‌هایی به نوجوانان معرفی کنیم که سیر داشته باشند؟

حجت‌الاسلام حاج‌علی‌اکبری:



۴. دعای فرج، بهترین هدیه به ساحت مقدس امام زمان

حاضرین: به نظر تان برای نیمه شعبان چه هدیه‌ای می‌توانیم به امام زمان بدهیم؟

حجت‌الاسلام حاج‌علی‌اکبری: سؤال سختی پرسیدند، زیرا دنیای هرکسی با شرایطی که دارد با دیگری متفاوت است. اینکه در چه موقعیتی است و چه گامی می‌تواند برای رضای خاطر آن حضرت بردارد، بسیار متنوع و متفاوت است. شاید بشود گفت انسان دعا برای فرج حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) را که در کلمات اولیای خدا بر آن تأکید شده، در برنامه خودش به صورت جدی داشته باشد. کمک و هدیه خوبی است.

بهترین هدیه این است که حضرت ببیند ما داریم خود را برای یاری ایشان آماده می‌کنیم. این حالت شاید کمک کردن به حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) را که در کلمات اولیای خدا بر آن تأکید شده، در برنامه خودش به صورت جدی داشته باشد. کمک و هدیه خوبی است.

فداه) باشد برای اینکه ما را تربیت کند، زیرا ما از عهده تربیت خود بر نمی‌آییم. مری عالم، حضرت ولی الله الاعظم (ارواحنا فداه) است. اینکه ما کمک کنیم به حضرت که دست ما را بگیرد و ما را هدایت کند، کمک کنیم تا ما را شفاعت کند، شاید برای مری بزرگ این بهترین هدیه باشد. دست خود را به دامن آن حضرت برسانیم. این بهترین هدیه است برای کسی که وظیفه‌اش در جهان، دستگیری از آدم‌ها است.

۵. موانع در ساحت عقل و اخلاق

حاضرین: اگر می‌شود در مورد ساحت عقل و اخلاق بیشتر توضیح دهید.

حجت‌الاسلام حاج‌علی‌اکبری: ما برای ساحت عقلانی‌مان حتماً باید به بخشی مراجعه کنیم که عمدتاً ساحت اندیشه



وظیفه انتخاب کنیم؟ حجت‌الاسلام حاج‌علی‌اکبری: صرف سخت بودن، ملاک نیست، اما نوعاً نفس انسان از کارهایی که هزینه دارد، پرهیز می‌کند یعنی می‌خواهد فاصله بگیرد. کارهایی که اصطلاحاً از آن تعبیر به سخت‌تر می‌کنید کارهایی هستند که انجامشان گاهی حرص خوردن و نگرانی دارد، انسان باید برایشان بیشتر وقت بگذارد، گاهی باید برایشان از مال یا آبرو هزینه کند. به همان نسبت ممکن است سخت‌تر باشد. اگر منظورشان این باشد، نوعاً کارهایی که پیش روی ما است همین ویژگی‌ها را دارند. اما صرف سخت‌تر بودن دلیل بر این نیست که حتماً آن کار الآن اولویت دارد. اما کاری که اولویت و در عین حال سختی بیشتری داشته باشد، حتماً اجر و پاداش بیشتری هم دارد، زیرا در روایت است «أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ أَحْمَرُهَا»؛^۴ بهترین عمل

۴. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار،

و تفکر است و تأدیب آن منطقه بسیار اساسی است. از موانعی که آنجا وجود دارد، گریزگاه‌ها و آفات است. اگر مبتلاییم، آنها را پیرایش کنیم. جایی که نیاز به تقویت دارد، در دستور کار قرار دهیم. در ساحت اخلاق هم باید ببینیم آیا موانعی هست؛ مانند حسادت، خودشیفتگی، خودبزرگبینی و لجاجت. وجود اینها، هر اندازه که باشد، عملاً سیر را متفی یا انسان را کند می‌کند. بعضی عوامل، پیش‌برندگی خاصی دارد. اگر خدا توفیق دهد در هر ساحتی بعضی از نکته‌های کلیدی‌تر را خیلی فشرده و مختصر و کاربردی، تقدیم خواهیم کرد.

۶. ملاک تشخیص وظیفه

حاضرین: گاهی تشخیص وظیفه سخت می‌شود. آیا درست است که کاری را که سخت‌تر است، به‌عنوان



آن بزرگوار ما را در تربیت و تأدیب و اصلاح خودمان یاری کند. خدا را به حق محمد و آل محمد قسم می‌دهیم رهبر عزیز و عالی‌قدرمان را برای ما حفظ کند. دشمنان را بیش از این خوار و ذلیل کند. این خواهرهای عزیز و گرامی ما هر آرزوی الهی که برای خود و خانواده‌شان و انجمن‌های اسلامی و جامعه اسلامی دارند، خدای متعال را به حق اولیائش و صاحب العصر (عجل) و الله تعالی فرجه الشریف) و مادرشان، حضرت صدیقه طاهره، ام الائمه (سلام الله علیهم اجمعین) قسم می‌دهم همه‌ی این آرزوها را به لطف و کرمش برآورده به‌خیر بفرماید.

دشوارترین آنها است». از بین اعمال، آنچه تلخ‌تر و سخت‌تر است، فضیلتش بیشتر و چه‌بسا پاداشش نیز بیشتر باشد.

پروردگار متعال را به حق اولیا و مقربان درگاهش و مولود عزیز نیمه ماه معظم شعبان، قسم می‌دهم برکات مادی و معنوی خودش را بر جامعه ارادتمندان امیرالمؤمنین (علیه السلام)، به‌ویژه جمع عزیز حاضر، نازل بفرماید. خدای متعال را به حق اولیا و مقربان درگاهش قسم می‌دهیم در این روزهای پایانی سال و در این روزهای پایانی قرن، در این روزهای سرشار از عنایات و لطفش در ماه معظم شعبان، همه‌ی ما را مشمول مغفرت و رحمت خودش قرار دهد. گذشتگان ما، پدران و مادران، ذوالحقوق ما، همه را از مغفرت و رحمت و عنایت خاص خودش بهره‌مند فرماید. به حق صاحب این ماه، پیامبر اعظم و به شفاعت

ج ۶۷، ص ۱۹۱.





نامه ۳۱ نهج البلاغه بر ای اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان که دست‌اندر کار تربیت علوی بچه‌های امیرالمؤمنین (ع) است، اگر بخواهد مسیر تریبی بچه‌ها را تسهیل، تقویت و تشویق کند تا در این زمینه موفق بشوند و قدم بردارند، به نظر من یک نعمت عظمی و بسیار مفید و بی‌نظیر محسوب می‌شود. ما در اتحادیه به مناسبت مأموریت‌انتزایی که در محیط آموزش و پرورش داریم، باید علاوه بر اینکه خودمان بهره‌مند می‌شویم، ان‌شاءالله باید نقش معرفی‌را هم نسبت به نامه ۳۱ داشته باشیم.

نمرد ۳۱ در نهج البلاغه خیلی فوق‌العاده است. در مجموع آنچه که از خبایه و نمرد و حکمت‌ها در نهج البلاغه داریم، نمرد ۳۱ نمرد قدر اول است. در نهج البلاغه چند نمرد قدر اول داریم. یک نمرد ترقی جامع و نمرد ترقیده از علی ابن ابیطالب (علیه السلام) است.

انسی خاندوزی مسئله‌تعلیم و تربیت
www.OFOGHHA.ir